

♦ اینکه آدم در یک مجلس روضه یا هیئت عزاداری مراقب باشد که مبادا وارد مباحث اسلام سیاسی بشود، این غلط است.

♦ چقدر خوب است که در محافل هیئتها، به قرآن خوانی و معارف قرآنی اهتمام ورزیده بشود...

♦ چقدر خوب است که در این نوحه خوانی‌ها مضامین اسلامی، مضامین انقلابی، مضامین قرآنی گنجانده بشود...

♦ یک وقت هست که سینه میزنند و صد بار با تعبیرات مختلف مثلاً میگویند "حسین وای"، خب این یک کاری است اما هیچ فایده‌ای ندارد...

♦ یک وقت هست که شما در همین مطلبی که [عزادار] تکرار میکند و حرفی که [با آن] سینه میزنند، با زبان نوحه و با زبان شعر، یک مسئله‌ی روز، یک مسئله‌ی انقلابی، یک مسئله‌ی اسلامی، یک معرفت قرآنی را می‌گنجانید...



أَشْهَدُ أَنَّكَ قَتَلْتَنِي مَظْلُومًا

تهیه شده در مرکز فرهنگی وارثین

جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی دزفول

Vareseen.ir

بیانات مقام معظم رهبری ۲۰ آبان ۱۳۹۲



هیئت
در بیان ♦♦ امام خامنه‌ای

” کاملاً همه‌ی تحرکات،
برخاسته‌ی از اراده‌ی
مردم و خواست خود
مردم است که آن هم
ناشی از ایمان آنها
است؛ این چیز خیلی
خوبی است “

پاورقی:

۱- انکار کردن، بعید شمردن

۲- جدا انگاری دین و دنیا؛ دین و سیاست

تهیه شده در مرکز فرهنگی وارثین

دزفول، خیابان امام خمینی شمالی، بالاتر از سبزقبا، کوچه شهدا،

روبروی مسجد لب خندق، مرکز فرهنگی وارثین

تلفن: ۰۹۱۶۸۲۳۰۹۷۴-۰۲۲۵۴۵۵۶ و ۰۲۲۷۳۵۸۰

سامانه پیامک: ۰۳۰۰۰۶۴۴۲۲۵۴۵۵۶

Vareseen.ir

طراح و صفحه آرا:

طلوع سرخ Reddawn.blog.ir

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اشاره:

رهبر معظم انقلاب در تاریخ بیستم آبان ماه سال ۹۲ در دیدار اعضای ستاد مرکزی هیئت رزمندگان اسلام در سخنانی کوتاه به بیان نکاتی مهم و کلیدی در باب هیئت و رسالت هیئت و بایدها و نبایدهای آن پرداختند.

این سخنرانی هرچند در جمع یک هیئت خاص انجام گرفته ولی دربردارنده ی نکاتی ارزشمند برای عموم متولیان و مسئولان هیئت های مذهبی و دست اندرکاران فعالیت های فرهنگی مرتبط می باشد.

در جزوه ای که پیش رو دارید سعی شده است مطالب معظم له عیناً آورده شود تا لحن و غرض گوینده بدون کمترین واسطه به مخاطب منتقل شود. در سرخط ها و گزیده مطلب کمترین دخل و تصرف صورت گرفته است.

مرکز فرهنگی وارثین افتخار دارد این کمترین را در اختیار زحمتمشکان هیئات قرار دهد باشد که ما را از دعای خود محروم ندارند. خواهشمند است نظرات خود پیرامون این جزوه را به اطلاع ما برسانید.

Vareseen.ir

گفتار هایی از مقام معظم رهبری پیرامون عزاداری

تحقیقاً یکی از مهمترین امتیازات جامعه شیعه بر دیگر جوامع مسلمان، این است که جامعه شیعه،

برخوردار از خاطره عاشورا است. ۱۳۷۳/۰۳/۱۷

یکی از بزرگترین نعمتها، نعمت خاطره و یاد حسین بن علی علیه السلام، یعنی نعمت مجالس عزاء،

نعمت محرم و نعمت عاشورا برای جامعه شیعی ماست. ۱۳۷۳/۰۳/۱۷

قدر مجالس عزاداری را بدانند، از این مجالس استفاده کنند و روحاً و قلباً این مجالس را وسیله‌ای برای ایجاد ارتباط و اتصال هر چه محکم‌تر میان خودشان و حسین بن علی علیه السلام، خاندان پیغمبر و

روح اسلام و قرآن قرار دهند. ۱۳۷۳/۰۳/۱۷

اگر برای ذکر مصیبت، کتاب "نَفْسُ الْمَهْمُومِ" مرحوم "محدث قمی" را باز کنید و از رو بخوانید، برای مستمع گریه آور است و همان عواطف جوشان را به وجود می آورد. چه لزومی دارد که ما به خیال خودمان، برای مجلس آرایایی کاری کنیم که اصل مجلس عزاء از فلسفه واقعی اش دور بماند؟! ۱۳۷۳/۰۳/۱۷

وقتی شعر را میخوانیم، به فکر باشیم که از این شعر ما ایمان مخاطبان ما زیاد شود. پس، هر شعری را نمیخوانیم؛ هر جور خواندنی را انتخاب نمیکنیم؛ جوری میخوانیم که لفظ و معنا و آهنگ، مجموعاً اثرگذار باشد. در چه؟ در افزایش ایمان مخاطب. ۱۳۸۶/۰۴/۱۴

برخی کارهاست که پرداختن به آنها، مردم را به خدا و دین نزدیک می کند. یکی از آن کارها، همین عزاداریهای سنتی است که باعث تقرب بیشتر مردم به دین می شود. این که امام فرمودند "عزاداری سنتی بکنید" به خاطر همین تقرب است. در مجالس عزاداری نشستن، روضه خواندن، گریه کردن، به سروسینه زدن و مواكب عزاء و دسته های عزاداری به راه انداختن، از اموری است که

عواطف عمومی را نسبت به خاندان پیغمبر، پر جوش می کند و بسیار خوب است. ۱۳۷۳/۰۳/۱۷

اما یک بحث سومی وجود دارد و آن، بحث مودت است. "قل لا

اسئلكم عليه اجرا الا المودة في القربى" این مودت چیست دیگر؟ ولایت اینها را داشته باشید، اطاعت هم از اینها بکنید؛ مودت برای چیست؟ این مودت، پشتوانه است. اگر این مودت نباشد، همان بلائی بر سر امت اسلامی خواهد آمد که در دوره های اول بر سر یک عده ای آمد که همین مودت را کنار گذاشتند، بتدریج اطاعت و ولایت هم کنار گذاشته شد. بحث مودت خیلی مهم است. این مودت، با این ارتباطات عاطفی حاصل میشود؛ ماجرای مصیبت های اینها را گفتن، یک جور ایجاد ارتباط عاطفی است؛ ماجرای مناقب اینها و فضائل اینها را گفتن، یک جور دیگر پیوند عاطفی است. ۸۸/۹/۲۲

- هیئت+رزندگان ۳.....
- کار مناسب و لازم..... ۴.....
- هیئت و بی نظمی..... ۴.....
- اداری نشوید..... ۵.....
- طبیعت کار هیئت..... ۵.....
- تاثیر سخن در جمع عمومی..... ۵.....
- چرا نمی فهمند این معانی و مسائل را؟ ۶.....
- هیئت سکولار..... ۷.....
- معنای هیئت غیر سکولار..... ۷.....
- کار بزرگ هیئت..... ۷.....
- هیئت و قرآن..... ۸.....
- کار بی فایده..... ۸.....
- برش هایی از بیانات رهبری پیرامون عزاداری..... ۹.....



هیئت + رزمندگان

هیئت رزمندگان یک پدیده‌ی مبارکی است؛ نفس اینکه رزمندگان ما هیئت عزاداری تشکیل بدهند - محور و نقطه‌ی ثقل اصلی هم عزاداری عاشورا است؛ بقیه‌ای که فرمودید، اینها حواشی لازم و خوبی است، اما آن نقطه‌ی ثقل، احیای عاشورا، زنده نگه داشتن عاشورا و عمق‌یابی ژرفای حادثه‌ی عاشورا است - چیز بسیار مبارک و مهمی است.

یک نکته این است که اصل انتساب هیئت به رزمندگان، یک معنای مهمی دارد . رزمندگان یعنی کسانی که در مواجهه‌ی با دشمن مجاهدت کردند؛ مجاهدت هم اعم از مقاتله است؛

مقاتله یعنی جنگ نظامی، مجاهدت مجموعه‌ای از انواع مبارزه‌ها است؛ جنگ نظامی، جنگ فکری، جنگ روحی، جنگ اجتماعی، مجموع اینها اسمش مجاهدت است، مجاهدت شامل همه‌ی اینها هم هست. آن کسانی که اهل مجاهدت در راه خدایند - یکی از خصوصیات مجاهدت و معنای جهاد این است که دشمن در مقابل

انسان باشد؛ هر تلاشی را جهاد نمیگویند؛ ممکن است کسی یک کار علمی‌ای هم بکند [اما] جهاد نباشد؛ جهاد، آن حرکتی است که در مواجهه‌ی با یک خصم، با یک دشمن، انجام میگیرد

هیئت و قرآن

چقدر خوب است که در محافل هیئت‌ها، به مسئله‌ی قرآن - قرآن‌خوانی و معارف قرآنی - اهتمام ورزیده بشود؛ چقدر خوب است که در این نوحه‌خوانی‌ها مضامین اسلامی، مضامین انقلابی، مضامین قرآنی گنجانده بشود .

کار بی فایده

یک وقت هست که سینه میزنند و صد بار با تعبیرات مختلف مثلاً میگویند "حسین وای"، خب این یک کاری است اما هیچ فایده‌ای ندارد و هیچ چیزی از "حسین وای" انسان نمیفهمد و یاد نمیگیرد. یک وقت هست که شما در همین مطلبی که [عزادار] تکرار میکند و حرفی که [با آن] سینه میزند، با زبان نوحه و با زبان شعر، یک مسئله‌ی روز، یک مسئله‌ی انقلابی، یک مسئله‌ی اسلامی، یک معرفت قرآنی را می‌گنجانید؛ او وقتی تکرار میکند، در ذهن او ملکه میشود؛ این خیلی باارزش است، کاری است که هیچ کس دیگر غیر از شما نمیتواند این کار را بکند؛ یعنی هیچ رسانه‌ای واقعاً قادر نیست که این جور معارف الهی را با جسم و جان و فکر و روح و احساس و عقل و مانند اینها آمیخته کند.

لذا کار کار مهمی است، کار بزرگی است و امیدواریم که ان شاءالله خدای متعال بهتان توفیق بدهد و شما را مأجور بدارد که بتوانید به بهترین وجهی ان شاءالله این کار را پیش ببرید.

والسّلام علیکم و رحمۀ الله و برکاته

هیئت سکولار^۲

یک نکته هم همین مطلبی است که آقای نجات اشاره کردند که درست هم هست. هیئتها نمیتوانند سکولار باشند؛ هیئت امام حسین سکولار ما نداریم! هرکس علاقه مند به امام حسین است، یعنی علاقه مند به اسلام سیاسی است، اسلام مجاهد است، اسلام مقاتله است، اسلام خون دادن است، اسلام جان دادن است؛ معنای اعتقاد به امام حسین این است. اینکه آدم در یک مجلس روضه یا هیئت عزاداری مراقب باشد که نبادا وارد مباحث اسلام سیاسی بشود، این غلط است.

معنای هیئت غیر سکولار

البته معنای این حرف این نیست که هر حادثه‌ای سیاسی در کشور اتفاق می‌افتد، ما باید حتماً در مجلس روضه آن را با یک گرایش خاصی - حالا یا این طرف، یا آن طرف - بیان کنیم و احیاناً با یک چیزهایی هم همراه باشد؛ نه، اما فکر انقلاب، فکر اسلام، خط مبارکی که امام (رضوان الله علیه) در این مملکت ترسیم کردند و باقی گذاشتند، اینها بایستی در مجموعه‌ها و مانند اینها حضور داشته باشد.

کار بزرگ هیئت

به هر حال کار کار بزرگی است، کار مهمی است؛ و شایسته‌ترین مجموعه‌هایی که میتوانند برای امام حسین عزاداری کنند، واقعاً همین مجاهدین فی سبیل الله اند، همین رزمندگانند، همین جوانها هستند؛ و شما این را قدر بدانید و این را هدایت کنید؛ هدایت کنید. این میتواند یک چشمه‌ی خورشید و چشمه‌ی نوری باشد برای إشعاع در مغزها و در فکرها و در دل‌های مخاطبین که بتواند اینها را از لحاظ معارف اسلامی و معارف دینی بالا ببرد.

اینکه آدم در یک مجلس روضه یا هیئت عزاداری مراقب باشد که نبادا وارد مباحث اسلام سیاسی بشود، این غلط است.

و این خصوصیت را دارند، این روحیه را دارند، برای همه‌ی اجتماعات وجودشان مبارک است؛ چون اجتماعات بشری خالی از دشمن نیستند - حالا کم یا زیاد؛ یک وقت مثل ما دشمن زیاد دارند، یک وقت هم این قدر دشمن ندارند اما بالاخره دارند - و اگر چنانچه

این جامعه در درون خود یک نیروی مواجه‌شونده و مقابله‌کننده‌ای داشته باشد که همان مبارزین و رزمندگان و مجاهدین هستند، میتواند احساس امنیت بکند؛ و الا اگر این را نداشته باشد، مثل بدنی است که در درون خودش آن گلوله‌های سفید را که مثلاً مأمور به مواجهه هستند، نداشته باشد؛ انواع و اقسام بیماری‌ها بر این جامعه ممکن است عارض بشود.

کار مناسب و لازم

اینکه این مجموعه بیایند برای مسئله‌ی عاشورا و مسئله‌ی عزاداری حسین بن علی (علیهما السلام) تلاش بکنند و کار کنند و آن را گرم و گرمی و زنده بدارند، این خیلی کار مناسب و لازمی است. بنابراین، نفس این انتساب، یعنی انتساب هیئت عزاداری به رزمندگان، چیز مبارکی است، چیز خیلی خوبی است، این را رها نکنید و هر چه میتوانید حفظ کنید و نگه دارید.

هیئت و بی‌نظمی

نکته‌ی دیگر این است که اسم هیئت در آن تبادر عرفی، [به معنی] بی‌نظمی است؛ میگویند فلانی هیئت عمل میکند، یعنی بی‌نظم عمل میکند! تقریباً میشود گفت شما اولین کسانی هستید که آمدید این مجموعه‌ای را که گویا طبیعتش طبیعت "بی‌نظمی" است، تحت نظم درآورید؛ این خیلی چیز خوبی است. خب، هیئت بودن - که به اصطلاح تعبیری از بی‌نظم بودن است - به‌خاطر چیست؟ به‌خاطر این است که وقتی کسی وارد هیئت امام حسین میشود هیچ‌کس به او نمیگوید فلان جا بنشین، فلان جا بنشین؛ فلان جور بنشین، فلان جور بنشین؛ کی بیا، کی برو؛ کاملاً همه‌ی تحرکات، برخاسته‌ی از اراده‌ی مردم و خواست خود مردم است که آن هم ناشی از ایمان آنها است؛ این



چیز خیلی خوبی است، این را باید نگه دارید؛ یعنی ارتباط هیئت را به ایمان مردم و عشق مردم، و جاذبه و گیرایی خود هیئت و خود این کانون را برای دل‌های مردم باید نگه دارید، این را باید حفظ کنید.

اداری نشوید...

یعنی جوری نشود که حالت اداری و مانند اینها پیدا بکند. به نظر من مراکز شماها حسینیّه‌ها است. شما مرکز اداری نمیخواهید؛ حسینیّه، هیئت، مسجد، مراکز شما اینها است. یعنی اگر آمدیم ما اینجا را وابسته کردیم به یک اداره‌ای و یک ساختمانی و طبقه‌ی اوّل و طبقه‌ی دوّم و صندلی گردان و مانند اینها، این دیگر هیئت نمیشود؛ میترسم اشکال پیدا بکند، نمیگویم قطعاً هیئت نمیشود.

طبیعت کار هیئت

اما به نظرم میرسد که طبیعت کار هیئت این است که مردم با عشق و شور و اشک بیایند طرف مجلس امام حسین؛ این است که اثر میکند؛ این است که از دلش این انقلاب میجوشد، یا لاقلاً مزرع خوبی برای رشد فضائل انقلابی و معارف انقلابی میشود.

تأثیر سخن در جمع عمومی

نکته‌ی بعد که خیلی مهم است، همین مسئله‌ی تربیت نیروها یا حراست از نیروهای گوینده و خواننده از خطاها و اشتباهات است؛ این خیلی مهم است. واقعاً یکی از گرفتاری‌های ما این است؛

حالا اسم مذاحها بد در رفته، مخصوص مذاحها نیست، مذاح و غیر مذاح ندارد. از کسانی که در این ماجرای منبر رفتن و از عاشورا خواندن وارد بوده‌اند - اعم از مذاح و منبری و مانند اینها - مواردی دیده شده که حرفهای نامناسبی از اینها صادر شده. یک وقت حالا من و شما نشستهایم، یک حرف غلطی هم از دهان بنده می‌آید بیرون، چیزی نیست [چون] دو نفر پهلو هم نشست‌اند، مهم نیست؛ یک وقت نه، ما هزار نفر، ده هزار نفر، گاهی پنجاه هزار نفر مستمع داریم، گاهی این جمعیت تبدیل میشود به جمعیت‌های میلیونی به‌خاطر انتشار؛ اینجا باید

محاسبه بشود که تأثیر یک حرف غلط و نامناسب بر روی ذهن مخاطب چیست.

”یک وقت حالا من و شما نشستهایم، یک حرف غلطی هم از دهان بنده می‌آید بیرون، چیزی نیست یک وقت نه، ما هزار نفر، ده هزار نفر، گاهی پنجاه هزار نفر مستمع داریم اینجا باید محاسبه بشود که تأثیر یک حرف غلط و نامناسب بر روی ذهن مخاطب چیست.“

”مرکز اداری نمیخواهید؛ حسینیّه، هیئت، مسجد، مراکز شما اینها است.“

یک عده‌ای همان حرف غلط را قبول میکنند، و یک معرفت غلطی پیدا میکنند؛ یک عده‌ای آن را استنکار^۱ میکنند و این استنکار موجب میشود که از اصل دین زده بشوند؛ بین کسانی و کسانی سر این حرف اختلاف می‌افتد؛ ببینید، از چند جهت مجاری فساد به‌وجود می‌آید برای یک حرف غلطی که یک نفر میزند. از قدیم دیده بودیم ما - مخصوص حالا نیست؛ از بچگی میرفتیم روضه و پای منبر - گاهی روضه‌خوان‌ها روضه‌هایی میخواندند که معلوم بود غلط است، معلوم بود خلاف است، اما میخواندند؛

برای اینکه حالا چهارنفر مستمع دلشان بسوزد و گریه کنند. مگر به هر قیمتی باید این کار را کرد؟



چرا نمی‌فهمند این معانی و مسائل را؟

حادثه را بیان کنید؛ با هنرمندی بیان کنند تا مردم دلشان شیفته بشود و منقلب بشود، نه اینکه خلاف بگویند. حالاها هم میشنوم، منبری یا مذاح سر منبر خطاب به امیرالمؤمنین میکند و میگوید آقا هرچه داری از امام حسین داری! شما فکرش را بکنید! این چه حرفی است و این چه مَهمل‌گویی‌ای است که کسی این جور درباره‌ی امیرالمؤمنین حرف بزند؟ امام حسین هرچه دارد از امیرالمؤمنین دارد، امام حسین هرچه دارد از پیغمبر دارد؛ چرا نمی‌فهمند این معانی و این مسائل را؟ آن وقت ادعا هم دارند، هرچه هم به دهانشان بیاید میگویند؛ یعنی اینها را خیلی باید به نظر من

بزرگ بشمریم.

”از قدیم دیده بودیم ما گاهی روضه‌خوان‌ها روضه‌هایی می‌خواندند که معلوم بود غلط است اما میخواندند؛ برای اینکه حالا چهارنفر مستمع دلشان بسوزد و گریه کنند. مگر به هر قیمتی باید این کار را کرد؟“